



در دل همه این بررسی‌های تاریخی، یک پرسش مهم و اساسی نهفته است؛ چه کسانی وارث انقلاب مشروطه هستند؟ آیا می‌توان انقلابی به این مهمی و بزرگی را به یک اقلیت مذهبی تقلیل داد و نقش گروه‌ها و افراد دیگر را نادیده گرفت؟ نقش مردم را چطور؟ مردمی که بر خلاف باور عامه، به هر کجای تاریخ ایران و جهان که نگاه کنیم، نقشی اساسی در انقلاب‌های گوناگون دارند و بعد از به سرانجام رسیدن انقلاب‌ها میان تاریخ گم می‌شوند. چرا؟ چون تاریخ‌نگاری رایج، تاریخ شاهان و بزرگان است. در این کتاب با استناد به آمار و اسناد تاریخی آن دوره نشان داده شده که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، جمعیت کل بهائیان در آن زمان کمتر از دو درصد از کل جمعیت کشور است و این در حالی است که توسط فرمان رهبرشان از مشارکت و مداخله در انقلاب مشروطه منع شده‌اند. ازسوی دیگر، به روایت‌هایی نظیر روایت ادوارد براون و دیگر مستشرقان درباره نقش منفعل یا حتی مخالف بهائیان با مشروطه نیز پرداخته شده است.

این دو نفر در این کتاب یک کار جالب دیگر هم می‌کنند و آن این است که می‌کوشند سراغ ذهنیت جمعی بروند و بفهمند که بایی در ذهن مردم دوره مشروطه چه معنایی داشته است و به این نتیجه می‌رسند که این مفهوم بیش از اینکه یک شناسه اعتقادی باشد، یک اتهام سیاسی بوده است. آنها در همین راستا مثال‌هایی هم می‌آورند. برای مثال به‌سیدجمال‌الدین واعظ اتهام بایی‌گری زده بودند. چرا؟ چون از شاه انتقاد کرده بود. درواقع آنها با آوردن چنین مثال‌هایی می‌خواهند نشان دهند که در آن زمان هر نوع صدای مخالفی ممکن بود با برچسب بایی‌گری روبه‌رو شود.

▼ مشروطه؛ انقلابی ملی و فراگیر

نویسندگان درنهایت روی این مسئله تأکید می‌کنند که مشروطه یک انقلاب ملی و فراگیر بود؛ مشروطه نه برای گروه یا فرقه خاصی که برای همگان بود و تلاش برای انتساب آن به فرقه‌ای خاص، چه از سوی بهائیان برای بهره‌برداری‌های هویتی، چه از سوی جریان‌های حکومتی برای تضعیف آن، درنهایت به تحریف واقعیت تاریخی مشروطه می‌انجامد. آنها این دو جریان را با وجود تفاوت‌های ظاهری که دارند، دارای یک هدف مشترک اعلام می‌کنند و می‌گویند هر دوی این جریان‌ها به‌دنبال مسخ هویت ملی مشروطه بوده‌اند. چون یکی بر جهان‌وطنی و دیگری بر اسلام‌گرایی ایدئولوژیک تأکید کرده‌اند و هر دو نقش مردم ایران را در خلق این انقلاب نادیده گرفته‌اند.

کتاب «مشروطه همگان؛ نقدی بر بایی‌نمایی انقلاب مشروطه» اثری پژوهشی و پرچالش در حوزه تاریخ‌نگاری انتقادی است و برای آنهایی که به تاریخ اجتماعی ایران و خوانش‌های مختلف و جدید از انقلاب مشروطه یا حتی بررسی نقش فرقه‌های گوناگون در تحولات سیاسی علاقه‌دارند، کتابی آموزنده و جالب توجه خواهد بود. انقلاب مشروطه دستاوردهای قابل توجهی برای جامعه ایران داشته است؛ از تدوین نخستین قانون اساسی گرفته تا تشکیل مجلس شورای ملی. مشروطه نقطه شروعی برای شکل‌گیری مشارکت مردمی در سیاست و تولد نهادهایی مانند مجلس بود که اگر چه با مقاومت ساختار قدرت روبه‌رو شد، اما بذر آگاهی و کنشگری سیاسی را در جامعه کاشت. از آن زمان تاکنون، جنبش‌های متعددی در ایران شکل گرفته که ادامه همان مسیر است؛ مسیری پرچالش، اما پایدار برای تحقق آزادی، عدالت و پاسخگوکردن قدرت. مردم ایران هنوز در مسیر مطالبه‌گری، پویایی سیاسی و تلاش برای ساختن آینده‌ای مبتنی بر حقوق شهروندی ایستاده‌اند. هر نسل در ادامه و امتداد خواسته‌های نسل‌های قبل از خود، به زبان و با ابزار خود کنشگری کرده است و آنچه این روزها زیر و روی پوست این کشور در حال رخ‌دادن است، امتداد همان آرمان‌های مشروطه‌خواهان است؛ آرمان‌هایی که همه برای تحقق آن در تلاش هستند و همه این‌ها یعنی هر چقدر هم درباره مشروطه بنویسیم و بخوانیم کم است، چون لحظه اکنون امتداد گذشته است.

نشد و مصطفی مستور با بیش از ۷۰ نفر دیگر گفت‌وگو کرد و ۱۱ داستان واقعی از دل زیست‌های زنانه، به‌همراه شش داستان تخیلی نوشت. به گفته او، هدف از نگارش این کتاب «بازنمایی زنانه الهام‌بخش» بوده است. زنانه که زندگی، رنج‌ها و امیدهایشان می‌تواند برای هر خواننده‌ای معنا و انگیزه تازه‌ای ایجاد کند. آزاده، صدیقه، طوبا، نادیا، آیدا، فریبا، حمیرا، سمیه، شالی، دریا، مهتاب، لیلی، مینو، فرانزه، لایلا، مهناز و دنیا، ۱۷ زن روایت‌شده در این کتاب هستند که هر کدام از آن‌ها برای اینکه به‌راحتی و آزادانه بتوانند در جامعه به‌عنوان یک زن حضور داشته باشند و خواسته‌ها و رویاهای خود را دنبال کنند، می‌جنگند. در این بین، برخی از آن‌ها از این جنگ سربلند و برخی دیگر ناکام بیرون می‌آیند، اما همواره سعی کرده‌اند تا از رسیدن به سمت روشن زندگی ناامید نشوند. محور داستان‌ها حول موضوعاتی از جمله عشق پدر به دختر، محبت مادرانه، خشونت خانگی، تجاوز، ازدواج و بارداری می‌چرخد که شخصیت‌ها به‌دلیل جنسیت‌شان تجربه‌های تلخ و محدودکننده‌ای از این فرآیندها دارند.

نویسند در این مجموعه از زبان ساده و بی‌واسطه استفاده کرده و در بیشتر بخش‌ها لحن او شبیه گفت‌وگو با خواننده است. او از پیچیدگی زبانی یا ساختارهای روایی دوری می‌کند و بیشتر سعی دارد احساسی مشترک را منتقل کند؛ همین ویژگی باعث می‌شود متن‌ها حالتی شخصی و درون‌نگر پیدا کنند؛ شبیه یادداشت‌هایی که نویسنده برای خودش نوشته اما حالا با دیگران به اشتراک می‌گذارد. مصطفی مستور نوشتن «سمت روشن زندگی» را در سال ۱۳۹۶ آغاز کرد و پس از سه‌سال تلاش برای دریافت مجوز، سرانجام این مجموعه در دولت چهاردهم مجوز انتشار گرفت. در حال حاضر نشر چشمه این کتاب را در ۱۷۸ صفحه و به قیمت ۲۳۰ هزار تومان منتشر کرده است. خواندن این مجموعه داستان کوتاه برای علاقه‌مندان به ادبیات داستانی ایران، دوستداران آثار مصطفی مستور و کسانی است که به‌دنبال روایت‌هایی واقعی و الهام‌بخش از زندگی زنان هستند، تجربه‌ای خوشایند خواهد بود.

شگفتی عشق

نقدی ادبی از پدیده تحرک اجتماعی و اهمیت بازنگری در سلسله‌مراتبی که براساس رتبه و ظاهر تعیین شده‌اند

معرفی کتاب

دهقان نوکیسه

نویسنده: پی‌یر دو ماریوو

مترجم: نسرين حلالی

انتشارات: نیلوفر

قیمت: ۲۸۵ هزار تومان



مسعود شاه‌حسینی
خبرنگار گروه فرهنگ

«دهقان نوکیسه»، نوشته پی‌یر دو ماریوو کتابی تازه از نشر نیلوفر است؛ اثری که به‌دلیل نگاه موشکافانه‌اش به سلسله‌مراتب اجتماعی، روان‌شناسی شخصیت و اتهامات اخلاقی در جامعه قرن هجدهم فرانسه، اهمیت فراوانی در ادبیات اروپا دارد. این رمان سرگذشت ژاکوب، جوان روستایی ساده، شادو خوشگذران اما پرتلاش و زیرکی را روایت می‌کند که از حومه شامپانی به پاریس می‌آید و با استفاده از جذابیت و ذکاوت خود، به‌سرعت در طبقات اجتماعی بالا صعود می‌کند. درباره «دهقان نوکیسه»، گفتنی‌ها و نوشتنی‌ها زیاد است و هر کسی آن را بخواند احتمالاً دلیلی برای جذب دوست داشتن‌اش پیدا می‌کند.

▼ صعود اجتماعی به چه قیمتی

«دهقان نوکیسه» یکی از نخستین آثار ادبی است که موضوع اصلی‌اش، صعود اجتماعی فردی از طبقات پایین به بالاست. ژاکوب که کشاورز زاده است و آهی در بساط ندارد، در عرض هفت‌روز به عرش می‌رسد، او در این سفر طبقاتی‌اش به هر دری می‌زند و از انواع و اقسام حربه‌ها استفاده می‌کند تا به یک بورژوازی پاریسی تبدیل شود. او که همواره سعی می‌کند فردی شریف، عادل و نیکوکار جلوه کند، پشت‌سادگی‌اش روشن‌بینی هوشمندانه‌ای دارد و رفته‌رفته درمی‌یابد که برای رسیدن به عناوین و دارایی‌های بالاتر، باید خسته نشود، از پای ننشیند و بیشتر بکوشد. این سیر تحول شخصیت ژاکوب، الگوی روایت دقیقی است از پسران فقیری که با رسالت شخصی قهرمانانه‌ای به موفقیت می‌رسند و نویسنده هم چنین مضمونی را به‌خوبی در روح اثر تزریق کرده است. «دهقان نوکیسه» نقدی ادبی از پدیده تحرک اجتماعی و اهمیت بازنگری در سلسله‌مراتبی است که براساس رتبه و ظاهر تعیین شده‌اند و تأکید می‌کند ارزش کسب موقعیت از طریق شایستگی است، نه صرف‌تألود.

دو ماریوو «دهقان نوکیسه» را بعد از انتشار بخش‌هایی از کتاب «زندگی ماریان» نوشت. این کتاب نیز سرگذشت دختری یتیم به‌نام ماریان است که برای یافتن جایگاه خود در جامعه تلاش می‌کند. قالب هر دو رمان، بیان خاطرات خودگویانه شخصیت‌هایی منفرد است. راوی اول شخص به خواننده اجازه می‌دهد تا نه‌فقط وقایع را دنبال کنند، که با تأملات شخصیت‌ها، رفتارها و انگیزه‌های آنها و بازتاب‌شان بر زندگی دیگران آشنا شوند. ماریوو در «دهقان نوکیسه» سعی کرده که نشان دهد اثرگذاری رفتاری، مهم‌تر از خود رفتار است. درهم‌آمیزی جهان‌درونی شخصیت اصلی و دیگران، شیوه‌ای بدیع در آن زمان بود که ترکیب آن با زبان طنز، سبک روایی اثر را متمایز کرده است. یکی از دلایلی که ماریوو را در زمره مهم‌ترین نمایشنامه‌نویسان و رمان‌نویسان قرن هجدهم فرانسه جای داده، همین است.

▼ کنایه‌های موقعیتی و زیربوستی

سبک ماریوو در «دهقان نوکیسه»، زنده است و نشاط دارد و خواننده را سر حال می‌آورد. کتاب سرشار از صحنه‌های دلپذیر و خواستنی است و نویسنده در به‌تصور کشیدن ظرفت‌های احساسات بسیار ماهرانه عمل کرده است. ماریوو در این کتاب و کتاب «زندگی ماریان»، لحظه شگفتی عشق، یا لحظه کشف و درک عشق را به زیبایی به تصویر می‌کشد. کتاب اما فراتر از این ظاهر بی‌نی است. آنچه ارزشمندش می‌کند، کنایه‌های موقعیتی بجا و زیربوستی است که با لحنی ظریف اما زیرکانه و قوی به خواننده تقب می‌زند و اجازه نمی‌دهد بر ساحل آرامش بنشینند. درواقع کتاب یک نقد اجتماعی زیرکانه و واقعی بر جامعه دهه ۱۷۳۰ زده است. به‌همین دلیل است که اصطلاح

جهان عرب

صحرا بود و خیال عاطفه و اندیشه

نگاهی به شعر و ادبیات عرب در عصر موسوم به جاهلی



سعید دهقانی

پژوهشگر جهان عرب

ادبیات عصر جاهلی، تنها ابزار هنرپروری برای اقوام صحرائین بوده است. شعر، راهی برای تخلیه احساسات زیباشناختی مردمانی بوده که در صحرا زندگی می‌کردند. عرب‌ها راهی جز این نداشتند که به‌شعر پناه ببرند. آنها نه ابزاری در اختیار داشتند تا با آن نقاشی خلق کنند و نه مصالحی برای ساختن بناهای باشکوه در اختیار داشتند. به‌همین خاطر تنها ابزار آنها کلمات بوده است و با معماری واژه‌ها به ساخت شعر و ادب عرب دست می‌زدند. ادبیات عرب، جلوه‌ای از هنرپروری عرب بوده است. ازسوی دیگر آنها سنت شفاهی را نیز چاشنی کارشان کرده بودند. به‌همین خاطر شعر وقتی دست‌به‌دست می‌شد بر غنایش افزوده می‌شد. همچون سنگی گرانبها که صیقل می‌خورد و بر اثر دست‌به‌دست شدن زیباتر می‌شود. شعر عرب محصول سنتی است که جز در صحرا، مجال ظهور نمی‌یافت. باری، باید این شعر را بیشتر شناخت چرا که شعر عرب راهی برای کشف سنت‌های عجیب و ناشناخته صحرائشینان بوده است. زمانی که نه از اسما رت‌فون‌ها خبری بود، نه غول‌هایی مانند تنفلیکس و آمزون که تا مردم را سرگرد می‌کنند، عرب‌های صحرائشین با تماشای آسمان و روایت‌های شاعرانه‌ش ب راه صبح می‌رساندند. شعر در «عصر جاهلی» یک محصول فرهنگی پر مخاطب بود. درخصوص بازه زمانی عصر جاهلی می‌توان گفت که این ایام، شامل هزاروپانصد یا دوهزار سال قبل از ظهور اسلام، تا بعثت پیامبر و آغاز رشد اسلام در منطقه عربی را شامل می‌شود. دانشمندان از همان اوایل قرن دوم هجری به جمع‌آوری و تدوین ادب قدیم عرب پرداختند و بر آن شرح و تعلیق نوشتند و در کتاب‌های خود وارد کردند. مشهورترین این مجموعه‌ها عبارتند از: المعقل السبع به گردآوری حماد الراویه، المعفلیات گردآورده مقفل الضبی (حای) ۱۲۸ قصیده ادب جاهلی، دیوان الحماسه ابونمام و دیوان الحماسه بحتری، الاغانی گردآورده ابوالفرج اصفهانی، الشعر و الشعراء گردآورده ابن‌قتیبه، جمهرة اشعار العرب گردآورده ابوزید القرشی، اگر بخواهیم به ذکر نام چند نفر از سرآمدان شعر جاهلی بپردازیم، این اسامی اولی و اراج هستند: عنتره بن شداد، طرفة بن العبد، النابغة الذبیانی، زهر بن أبی سلمی، امرؤ القیس. عرب بدوی در محیط صحرایی خود غرق بود. صحرا، دل و روح و همه وجود او را پر کرده بود و اندیشه، عاطفه و خیال او را به خود مشغول داشته بود. بنابراین ادب جاهلی که ثمره اندیشه، عاطفه و خیال او بود رنگ صحرا داشت تا آنجا که به ذهن او صراحت بخشید و اندیشه‌اش را روشنی داد و روح‌اش را به جانب یقین متوجه کرد. این صفای فکر در هنر او تأثیر گذاشت، به لافازی نمی‌پرداخت، خیالش دامنه وسیعی داشت، از واقعیت سخن می‌گفت و از طبیعت آن چنان که بود از روی صدق و اخلاص حکایت می‌کرد و به دقت تصویر می‌نمود؛ آن هم با بیانی ساده، خیالی غریب و فلسفای سلتی. گویی هر چه را می‌بیندی هیچ اشکالی درمی‌یابد و نیازی به شک، حذف و تأمل ندارد. گستردگی «جزیره عرب» در این زمانه به سه قسمت تقسیم شده بود که عبارتند از: ۱- «بلاد الحجر» در شمال شرقی جزیره عرب و مابین «فلسطین» و شرق «دریای سرخ» که به‌نام «البتراء» معروف بود و در حال حاضر در کشور اردن واقع شده است. ۲- «بلاد العرب السعیدة» که در قلب و شرق صحرای بزرگ عرب «صحرای دهنا» واقع شده است و قبائل عرب کوه‌نشین در آنجا زندگی می‌کرده‌اند. ۳- باقی‌مانده شبه‌جزیره عرب که بخش‌هایی مانند حجاز و یمن را شامل می‌شده است. شعر اما جایگاهی ویژه در عصر جاهلی داشت. اعراب در ایام جاهلی، برای بیان احساسات خویش بیشتر از هنر گفتاری سود می‌جستند و این هنر گفتاری از مهم‌ترین و نیرومندترین شیوه‌های اقناع بود. اکثر آثار منظوم و منثور عصر جاهلی از میان رفته و این بدان سبب است که بسیاری از این آثار به حافظه سپرده نشده بودند و آنچه راهم که در روایان شعر از تر کرده بودند، با کشته‌شدن‌شان در جنگ‌ها و فتوحات از میان رفته است. هیچ فرهنگی برتر نیست، اگر از مفاهیمی مانند پیچیدگی، قدرت سیاسی، بناهای باشکوه و هر چیز دیگری که نشان از قدرت متمرکز سیاسی دارد ارزش‌زدایی کنیم، درمی‌یابیم که همه فرهنگ‌ها، ای‌سا خرده فرهنگ‌ها با هم برابر هستند. مقایسه دوفرهنگ ایران باستان و بادیه‌نشینان عرب در دوران پیشاسلام شاید بهترین مصداق برای این دایمه باشد که هیچ فرهنگی بر دیگری برتر ندارد. یکی از صحنه‌های پیدایندانی فیلم «لورنس عربستان» این بود که لورنس در چادری نشسته بود و سرهنگی انگلیسی کنارش بود. پرمردی برای فیصل قران می‌خواند. ناگهان لورنس بقیه آیهای را که آن پرمرد برای فیصل می‌خواند، قرائت کرد و فیصل تعجب کرد و با لورنس گفت‌وگویی را از سر گرفت. به‌نظرم بازتاب سنت هزاران ساله‌ای که میان این قوم بوده، خوبی در این فیلم بازتاب یافته است. در گذشته نیز افرادی بوده‌اند که به عربی فصیح چیزهایی را می‌گفته‌اند و همین امر باعث می‌شده که بسیاری از اعراب حظ ببرند.